

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعهدنامه اصالت و رعایت حقوق دانشگاه

تمامی حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌های ناشی از انجام این پژوهش، متعلق به **دانشگاه محقق اردبیلی** می باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقررات مربوطه و با ذکر نام دانشگاه محقق اردبیلی، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است.

اینجانب **حسنعلی لطف‌اللهی جلاپور** دانش‌آموخته‌ی مقطع **کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی**

گرایش **محض دانشکده‌ی علوم انسانی** دانشگاه محقق اردبیلی به شماره دانشجویی **۹۰۱۱۱۶۳۲۲۰** که در تاریخ

۹۲/۴/۲۹ از پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود تحت عنوان **بدیع در دیوان کلیم کاشانی** دفاع نموده ام، متعهد می‌شوم که:

- (۱) این پایان‌نامه را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به‌عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.
- (۲) مسئولیت صحت و سقم تمامی مندرجات پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.
- (۳) این پایان‌نامه، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجانب می‌باشد.
- (۴) در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و مقررات مربوطه و با رعایت اصل امانتداری علمی، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در متن و فهرست منابع و ماخذ ذکر نموده‌ام.
- (۵) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده یا هرگونه بهره‌برداری اعم از نشر کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان‌نامه را داشته باشم، از حوزه‌ی معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه محقق اردبیلی، مجوزهای لازم را اخذ نمایم.
- (۶) در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این پایان‌نامه در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع مجلات، نام دانشگاه محقق اردبیلی را کنار نام نویسندگان (دانشجو و اساتید راهنما و مشاور) ذکر نمایم.
- (۷) چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (منجمله ابطال مدرک تحصیلی، طرح شکایت توسط دانشگاه و ...) را می‌پذیرم و دانشگاه محقق اردبیلی را مجاز می‌دانم با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات مربوطه رفتار نماید.

نام و نام خانوادگی دانشجو: **حسنعلی لطف‌اللهی جلاپور**

امضا

تاریخ



دانشکده‌ی علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گرایش محض

عنوان:

«بدیع» در دیوان کلیم کاشانی

استاد راهنما:

دکتر ابراهیم رنجبر

استاد مشاور:

دکتر بیژن ظهیری

پژوهشگر:

حسنعلی لطف‌اللهی جلایر

تیر ماه - ۱۳۹۲



دانشکده‌ی علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گرایش محض

عنوان:

«بدیع» در دیوان کلیم کاشانی

پژوهشگر:

حسنعلی لطف‌اللهی جلایر

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان‌نامه با درجه.....

امضاء	سمت	مرتبه علمی	نام و نام خانوادگی
	استاد راهنمای و رئیس کمیته داوران	دانشیار	دکتر ابراهیم رنجبر
	استاد مشاور	دانشیار	دکتر بیژن ظهیری
	داور	استادیار	دکتر عسگر صلاحی

تیر ماه - ۱۳۹۲

تقدیم به خاکِ آستانت ای امیرمومنان

که تیغِ بلیغِ فصاحتت تا ستیغِ اعجاز و ایجاز بیان برآمده است.

ای گُلواژه‌ی زیبایِ غزلِ هستی

واژه‌ها در نمودن حقیقت تو به عجزِ نشسته‌اند و ستایشگرانِ دل به مجاز بسته‌اند.

ای امیر، صلابتِ کوه، طراوتِ گُل، لطافتِ سپیده و خروشِ دریا کنایتی از شکیب

عطوفتِ عصمت و سخاوتِ توست.

تشبیه تو به اقیانوسِ قیاسِ ماه و فانوس است.

هیچ کلمه‌ای را نمی توان برای شکوه تو استعاره آورد.

تو قاموسِ شکوهی.

سلام ما تا کرانه‌های زمان، بر زبانِ جواهرپردازت باد.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از زحمات بی‌دریغ رفیق شفیق و انیس جلیسی
نفیس، استاد راهنمای محترم و گرانقدر، جناب آقای دکتر
ابراهیم رنجبر، که در طی انجام این پایان‌نامه متحمل
شدند، کمال تشکر و قدردانی را دارم. همچنین از استاد
مشاور ارجمندم، دکتر بیژن ظهیری و سایر اساتید محترم و
گرانقدر مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات
فارسی دانشگاه محقق اردبیلی سپاسگزاری می‌کنم.

نام خانوادگی دانشجو: لطف الهی جلایر	نام: حسنعلی
عنوان پایان نامه: بدیع در دیوان کلیم کاشانی	
استاد راهنما: دکتر ابراهیم رنجبر	استاد مشاور: دکتر بیژن ظهیری
دانشکده: علوم انسانی	تاریخ دفاع: ۱۳۹۲/۴/۲۹ تعداد صفحه: ۱۲۵
<p>چکیده: موضوع این پایان نامه، پژوهش و بررسی اشعار دیوان کلیم کاشانی از منظر و دیدگاه علم بدیع است. دیوان وی را با تعداد (۵۴) آرایه‌ی لفظی و (۱۲۵) آرایه‌ی معنوی مورد بررسی قرار دادیم که تعداد کل موارد آرایه‌های لفظی یافت شده (۱۲۹۹) مورد و تعداد کل موارد آرایه‌های معنوی یافت شده (۱۶۴۰) مورد شد. شیوه‌ی اجرای پایان نامه‌ی حاضر، کتابخانه‌ای است و بر اساس مطالعه‌ی متون منابع مورد نظر و استخراج مواد و یادداشت‌برداری از آنها، انجام پذیرفته است. بدین صورت که ابتدا کتاب‌ها و منابع مربوط به علم بدیع مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و از میان آنها چهار کتاب: ۱- ابداع البدایع، تألیف محمد حسین شمس‌العلمای گرگانی ۲- المعجم فی معاییر اشعار العجم، تألیف محمد بن قیس رازی ۳- نگاهی تازه به بدیع، تألیف سیروس شمسیا ۴- بدیع از دیدگاه زیبا شناسی، تألیف تقی وحیدیان کامیار، به عنوان اساس کار انتخاب شدند؛ و در کنار این چهار کتاب از سایر کتب بلاغی نیز جهت تکمیل کار استفاده شد. پس از تکمیل و آماده شدن چهار چوب کلی کار، دیوان کلیم کاشانی از منظر و دیدگاه علم بدیع مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار گرفت و تمامی موارد و شواهد مربوط به علم بدیع استخراج و فیش‌برداری شد؛ اما در متن پایان‌نامه به دلیل کثرت موارد و شواهد یافت شده، تنها تعداد معدودی از آنها به عینه ذکر شد و به سایر موارد که انبوهی از شواهد را شامل می‌شد در قسمت آخر پایان‌نامه و در بخش جدول نمایه‌ها، اشاره شد. پایان‌نامه‌ی حاضر از نظر ساختار کلی به دو فصل تقسیم شده است. فصل اول خود شامل دو قسمت است. قسمت اول کلیات پژوهش است و قسمت دوم مبانی نظری پژوهش است که در آن به سیر تطور و تکامل علوم بلاغی اشاره شده است. فصل دوم شامل بحث اصلی و یافته‌های پژوهش است و خود به دو بخش صنایع لفظی و صنایع معنوی تقسیم شده است و بقیه‌ی مطالب نیز به نتیجه‌گیری و جدول نمایه‌های صنایع لفظی و معنوی و جدول بسامدی اختصاص دارد.</p>	
کلید واژه‌ها: کلیم کاشانی؛ بلاغت، بدیع	

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
فصل اوّل.....	۱.....
۱-۱- کلیات پژوهش.....	۲.....
۱-۱-۱- مقدمه.....	۲.....
۱-۱-۲- بیان مسأله.....	۴.....
۱-۱-۳- سؤالات اصلی پژوهش.....	۵.....
۱-۱-۴- اهداف پژوهش.....	۵.....
۱-۱-۵- ضرورت و اهمّیت پژوهش.....	۵.....
۱-۱-۶- پیشینه‌ی پژوهش.....	۶.....
۱-۱-۷- مواد و روش شناسی پژوهش.....	۸.....
۲-۱- مبانی نظری پژوهش.....	۹.....
۱-۲-۱- تاریخچه‌ی علوم بلاغت.....	۹.....
فصل دوّم بحث اصلی و یافته‌های پژوهش.....	۱۱.....
۱-۲- بخش صنایع لفظی.....	۱۲.....
۱-۱-۲- موازنه(مماثله).....	۱۲.....
۲-۱-۲- ازدواج.....	۱۲.....
۳-۱-۲- جناس.....	۱۲.....
۱-۳-۱-۲- جناس تامّ.....	۱۲.....
۲-۳-۱-۲- جناس لفظ.....	۱۳.....
۳-۳-۱-۲- جناس مرکّب.....	۱۳.....
۴-۳-۱-۲- جناس مضارع و لاحق.....	۱۳.....
۵-۳-۱-۲- جناس مطرّف.....	۱۳.....
۶-۳-۱-۲- جناس خطّ(مصخّف).....	۱۴.....
۷-۳-۱-۲- جناس ناقص(محرّف):.....	۱۴.....
۸-۳-۱-۲- جناس اشتقاق(اقتضاب).....	۱۴.....
۹-۳-۱-۲- جناس شبه اشتقاق.....	۱۴.....
۱۰-۳-۱-۲- جناس زاید.....	۱۵.....
۱۱-۳-۱-۲- قلب بعض.....	۱۵.....
۱۲-۳-۱-۲- جناس مکرّر.....	۱۵.....
۴-۱-۲- تکرار واک یا واج آرایبی.....	۱۵.....
۱-۴-۱-۲- همحرفی یا همحروفی.....	۱۶.....
۲-۴-۱-۲- همصدایی.....	۱۶.....
۵-۱-۲- تکرار.....	۱۶.....
۶-۱-۲- ردّ العجز علی الصّدر.....	۱۶.....
۷-۱-۲- ردّ الصّدر علی العجز.....	۱۶.....

١٧	٨-١-٢- ردّ الصّدر إلى الإبتداء.....
١٧	٩-١-٢- ردّ الصّدر إلى العروض.....
١٧	١٠-١-٢- ردّ العروض إلى العجز.....
١٧	١١-١-٢- ردّ الإبتداء إلى العجز.....
١٧	١٢-١-٢- تشابه الاطراف.....
١٨	١٣-١-٢- طرد و عكس يا تبديل و عكس.....
١٨	١٤-١-٢- ردّ القافيه.....
١٩	٢-٢- بخش صنایع معنوی.....
١٩	١-٢-٢- مبالغه و اغراق و غلوّ.....
١٩	٢-٢-٢- مبالغه.....
١٩	٣-٢-٢- اغراق.....
١٩	٤-٢-٢- غلوّ.....
١٩	٥-٢-٢- جمع.....
٢٠	٦-٢-٢- تجاهل العارف.....
٢٠	٧-٢-٢- ارسال المثل (تمثيل).....
٢٠	٨-٢-٢- حرف گرایبی.....
٢٠	٩-٢-٢- تناسب.....
٢١	١٠-٢-٢- طباق(تضاد).....
٢١	١١-٢-٢- پارادوکس.....
٢١	١٢-٢-٢- تلمیح.....
٢٢	١٣-٢-٢- ارصاد(تسهیم).....
٢٢	١٤-٢-٢- حسن مطلع.....
٢٢	١٥-٢-٢- حسن مقطع.....
٢٣	١٦-٢-٢- حسن تخلّص.....
٢٣	١٧-٢-٢- حشو ملیح(اعتراض).....
٢٤	١٨-٢-٢- رجوع.....
٢٤	١٩-٢-٢- ایهام تضادّ.....
٢٤	٢٠-٢-٢- ایهام ترجمه.....
٢٤	٢١-٢-٢- ذمّ شبيه به مدح.....
٢٥	٢٢-٢-٢- حسن طلب.....
٢٥	٢٣-٢-٢- اعداد.....
٢٥	٢٤-٢-٢- سیاقه الاعداد.....
٢٥	٢٥-٢-٢- التفات(نوع اوّل).....
٢٥	٢٦-٢-٢- التفات(نوع دوّم).....
٢٦	٢٧-٢-٢- حسن تعلیل.....
٢٦	٢٨-٢-٢- دلیل عکس.....
٢٦	٢٩-٢-٢- تجرید.....

۲۶ ابداع ۳۰-۲-۲
۲۶ غُلُوّ معنی ۳۱-۲-۲
۲۷ تتمیم ۳۲-۲-۲
۲۷ ارادف ۳۳-۲-۲
۲۷ تفسیر ۳۴-۲-۲
۲۷ اقتباس ۳۵-۲-۲
۲۷ ایضاح ۳۶-۲-۲
۲۸ تأیید ۳۷-۲-۲
۲۸ تدبیح ۳۸-۲-۲
۲۸ تسمیط ۳۹-۲-۲
۲۸ تشطیر ۴۰-۲-۲
۲۹ تعطّف ۴۱-۲-۲
۲۹ توشیح ۴۲-۲-۲
۲۹ تهکّم ۴۳-۲-۲
۲۹ عتاب نفس ۴۴-۲-۲
۲۹ قسم ۴۵-۲-۲
۳۰ نتیجه گیری ۴۶-۲-۲
۳۲ نمایه ها
۳۳ ۱- جدول نمایه های صنایع لفظی
۳۳ ۱-۱- جدول نمایه ی آرایه ی موازنه (مماثله)
۳۳ ۲-۱- جدول نمایه ی آرایه ی ازدواج
۳۴ ۳-۱- جدول نمایه ی آرایه ی جناس تامّ
۳۵ ۴-۱- جدول نمایه ی آرایه ی جناس لفظ
۳۵ ۵-۱- جدول نمایه ی آرایه ی جناس مرکّب
۳۵ ۶-۱- جدول نمایه ی آرایه ی جناس مضارع
۳۵ ۷-۱- جدول نمایه ی آرایه ی جناس لاحق
۴۲ ۸-۱- جدول نمایه ی آرایه ی جناس مطرّف
۴۴ ۹-۱- جدول نمایه ی آرایه ی جناس خطّ (مصحّف)
۴۶ ۱۰-۱- جدول نمایه ی آرایه ی جناس ناقص (محرّف)
۴۶ ۱۱-۱- جدول نمایه ی آرایه ی جناس اشتقاق (اقتضاب)
۵۰ ۱۲-۱- جدول نمایه ی آرایه ی جناس شبه اشتقاق
۵۱ ۱۳-۱- جدول نمایه ی آرایه ی جناس زاید در اوّل کلمه
۵۳ ۱۴-۱- جدول نمایه ی آرایه ی جناس زاید در وسط کلمه
۵۵ ۱۵-۱- جدول نمایه ی آرایه ی جناس زاید در آخر کلمه (جناس مدّیل)
۵۹ ۱۶-۱- جدول نمایه ی آرایه ی جناس قلب بعض
۵۹ ۱۷-۱- جدول نمایه ی آرایه ی جناس مکرّر
۶۰ ۱۸-۱- جدول نمایه ی آرایه ی همحروفی

۶۳	۱۹-۱- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی همصدایی
۶۶	۲۰-۱- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی تکرار
۶۷	۲۱-۱- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی ردّ العجز علی الصّدر
۶۸	۲۲-۱- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی ردّ الصّدر علی العجز
۶۹	۲۳-۱- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی ردّ الصّدر الی الابتداء
۶۹	۲۴-۱- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی ردّ الصّدر الی العروض
۷۰	۲۵-۱- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی ردّ العروض الی العجز
۷۰	۲۶-۱- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی ردّ الابتداء الی العجز
۷۱	۲۷-۱- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی تشابه الاطراف
۷۲	۲۸-۱- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی طرد و عکس
۷۲	۲۹-۱- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی ردّ القافیه
۷۳	۲- جدول نمایه‌ی های صنایع معنوی
۷۳	۱-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی مبالغه
۷۳	۲-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی اغراق
۷۳	۳-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی غلو
۷۴	۴-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی جمع
۷۵	۵-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی تجاهل العارف
۷۶	۶-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی ارسال المثل (تمثیل)
۷۷	۷-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی حرف گرایبی
۷۷	۸-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی مراعات النّظیر
۸۷	۹-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی تضادّ
۹۸	۱۰-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی پارادوکس
۹۸	۱۱-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی تلمیح
۱۰۴	۱۲-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی ارصاد (تسهیم)
۱۰۵	۱۳-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی حسن مطلع
۱۰۵	۱۴-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی حسن مقطع
۱۰۶	۱۵-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی حسن تخلّص
۱۰۷	۱۶-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی حشو ملیح (اعتراض)
۱۰۷	۱۷-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی رجوع
۱۰۷	۱۸-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی ایهام تضادّ
۱۰۸	۱۹-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی ایهام ترجمه
۱۰۸	۲۰-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی ذمّ شبیه به مدح
۱۰۸	۲۱-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی حسن طلب
۱۰۸	۲۲-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی اعداد
۱۰۸	۲۳-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی سیاقه الاعداد
۱۰۸	۲۴-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی التفتات (نوع اوّل)
۱۱۲	۲۵-۲- جدول نمایه‌ی آرایه‌ی التفتات (نوع دوّم)

۱۱۳	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی حسن تعلیل	۲-۲۶
۱۱۳	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی دلیل عکس	۲-۲۷
۱۱۳	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی تجرید	۲-۲۸
۱۱۵	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی ابداع	۲-۲۹
۱۱۶	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی علو معنی	۲-۳۰
۱۱۶	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی تتمیم	۲-۳۱
۱۱۶	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی ارادف	۲-۳۲
۱۱۶	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی تفسیر	۲-۳۳
۱۱۶	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی اقتباس	۲-۳۴
۱۱۷	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی ایضاح	۲-۳۵
۱۱۷	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی تأیید	۲-۳۶
۱۱۸	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی تدبیج	۲-۳۷
۱۱۹	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی تسمیط	۲-۳۸
۱۱۹	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی تشطیر	۲-۳۹
۱۱۹	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی تعطف	۲-۴۰
۱۲۰	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی توشیح	۲-۴۱
۱۲۰	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی تهکم	۲-۴۲
۱۲۰	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی عتاب نفس	۲-۴۳
۱۲۰	جدول نمایه‌ی آرایه‌ی قسم	۲-۴۴
۱۲۱	جدول بسامدی آرایه‌های لفظی به ترتیب تعداد کاربرد	۳-۳
۱۲۲	جدول بسامدی آرایه‌های معنوی به ترتیب تعداد کاربرد	۴-۴
۱۲۴	فهرست منابع و مآخذ	

فهرست علایم اختصاری

غ	غزل
ق	قصیده
م	مثنوی
ط	قطعه
ت	تاریخ
ج	ترجیع بند
ک	ترکیب بند
ر	رباعی

فصل اوّل

۱-۱- کلیات پژوهش

۱-۱-۱- مقدمه

میرزا ابوطالب کلیم کاشانی مشهور به «طالبای کلیم» که او را «خلّاق المعانی ثانی» خوانده‌اند، از شاعران معروف قرن یازدهم هجری است. اصل او را بیشتر تذکره نویسان از همدان دانسته و گفته‌اند که چون در کاشان اقامت داشت به کاشانی معروف شد (صفا، ۱۳۸۷: ۴/۱۸۱). خودش در مقطع غزلی می‌گوید:

من ز دیار سخنم چون کلیم نه همدانی و نه کاشانی ام (کلیم، ۱۳۸۷: ۲۸۹)

ابیات ذیل نیز می‌تواند در عین اینکه قرینه بر دلگیری او از کاشان و اهل کاشان باشد دلیل بر کاشانی بودن او نیز باشد زیرا در این دو بیت این شهر را وطن خود معرفی کرده:

کلبه تاریک من پیشم سواد اعظم است فارغ از کاشان کلیم از گوشه‌ی کاشانه شد (کلیم، ۱۳۸۷: ۱۶۰)

کلیم آسایش عیش و وطن را برای اهل کاشان می‌گذارد (کلیم، ۱۳۸۷: ۱۱۸)

سال تولد وی به درستی مشخص نیست اما سال وفات وی مشخص است؛ این شاعر در سال ۱۰۶۱ ه.ق در کشمیر در گذشته و در مقبره الشّهدای کشمیر مدفون گشته است.

وی دانش‌های زمان را در کاشان و شیراز آموخت و هم در آغاز جوانی، در عهد پادشاهی جهانگیر (۱۰۱۴-۱۰۳۷) به هند رفت و در بیجاپور ملازمت شاهنواز خان اختیار کرد ولی گویا در نشانه‌گیری اول، ملازمت شاهنوازخان را فرا چنگ نیاورد بلکه در این راه چندی این سوی و آن سوی می‌دوید (صفا، ۱۳۸۷: ۴/۱۸۱). به هر حال کلیم پس از مرگ شاهنواز خان (۱۰۲۸ ه) به عراق بازگشت اما چنان که از یک غزل مشهورش بر می‌آید از این رفتن دل خوشی نداشت و می‌گفت:

ز شوق هند زآنسان چشم حسرت بر قفا دارم که رو هم گر به راه آرم نمی‌بینم مقابل را

اسیر هندم و زین رفتن بیجا پشیمانم کجا خواهد رساندن پرفشانی مرغ بسمل را

به ایران می‌رود نالان کلیم از شوق همراهان به پای دیگران همچون جرس طی کرده منزل را

(کلیم، ۱۳۸۷: ۷)

و همین پشیمانی از سفری که در پیش گرفته بود باعث گردید که بیش از دو سال و اندی در ایران نماند و به هندوستان بازگردد. این بار کلیم ملازمت میر محمد امین میر جمله‌ی شهرستانی متخلص به روح الامین اختیار کرد و پس از چند گاه در آغاز پادشاهی شاه جهان (جلوس در ۱۰۳۷ هـ) بدین پادشاه تقرّب جست و محل توجه و عنایت او گردید و سرانجام خطاب ملک الشعرائی یافت. کلیم به همراه شاه جهان به کشمیر رفت و آن سرزمین را برای واپسین جای اقامت برگزید (صفا، ۱۳۷۸: ۴/۴۱۹).

وی مردی نیک نهاد و گشاده دست بود، نوشته اند که هر چه از انعام ها و صله ها در می یافت «صرف فقرا و اهل کمال می کرد»، با شاعران همطراز خود با محبت و مهر خاص رفتار می نمود (همان: ۴۱۹). همت اش والا و تعلق اش به زخارف دنیوی برای پر کردن پیمانه‌ی حیات بود، در عین حاجت چشم بر مال اغنیاء نداشت و کشیدن بار منت احسان را بر دوش جان رنجی روح فرسا می شمرد (همان: ۴۱۹).

از مذمت مردم و هجو به کلی دور بود و در سرتاسر دیوان او سخنی از این قبیل دیده نمی شود و

مخصوصاً در غزلی از غزلیات دیوان که با این مطلع شروع می شود:

جان کاهدم چو حق سخن را ادا کنم گر نقد جان دهند سخن را بها کنم
می گوید:

گر هجو نیست در سخن من ز عجز نیست حیف آیدم که زهر در آب بقا کنم

تنبیه منکران سخن می توان کلیم گر ازدهای خامه به آن ها رها کنم (کلیم، ۱۳۸۷: ۲۷۲)

راجع به معتقدات کلیم هیچ یک از ارباب تذکره بحثی نکرده اند و به نظر می رسد که این موضوع محتاج بحثی هم نبوده زیرا وی در عصری که بحبوحه‌ی ترویج و نشر مذهب حقه‌ی شیعه اثناعشریه بوده زندگی می کرده و اگر مسلکی مخالف آن داشت قطعاً در همه جا مورد مذمت قرار می گرفت و برای اثبات این نظریه قصیده‌ای که در مدح و منقبت حضرت علی (ع) سروده و در دیوان وی قرار دارد ما را از هر توضیحی بی نیاز می سازد.

از برخی از ابیات کلیم بر می آید که در زمان او تقلید و ابتذال به کلی بازار شعر را کساد و بی رونق

کرده بود و او دقیقاً به خواست زمان یعنی تاز گویی و قوف داشته است:

گر متاع سخن امروز کساد است کلیم تازه کن طرز که در چشم خریدار آید (کلیم، ۱۳۸۷: ۲۱۵)

کلیم معنی گراست و بر طبق موازین سبک هندی، صورت گرایان را انکار می کند:

اهل صورت هیچ از سامان توانگر نیستند طایر تصویر پردازد و لیکن بی پر است (کلیم، ۱۳۸۷: ۴۳۲)

کلیم شاعری پر سخن بود. وی از همه‌ی معاصران خود بالاتر است اما قابل قیاس با صائب نیست.

کلیم در همه‌ی انواع شعر آزمایی کرده است ولی مهارت و شهرت او در غزل سرایی است. در مثنوی‌هایش زبانی ساده و گاه دور از انسجام و استواری دارد و واژه‌های هندی را هر جا که ذکر حرفه‌ها،

صنعت‌ها، منظره‌ها، گیاهان، گل‌ها و درختان لازم بود به کار برده و در این راه بسی بیشتر از دیگر شاعران پارسی‌گوی که به هند می‌رفته‌اند اثر‌پذیری خود را از آن سرزمین و زندگی کردن در آنجا نشان داده است. وی همین زبان ساده را در قصیده‌های خود نیز به کار داشته لیکن در این مورد سرو کارش با آفرینش مضمون‌ها و تعبیرات خیالی و استعاری در بیانی نزدیک به زبان گفت و گوست، خواه در مدح و خواه در بیان حالات روحی خود و خواه در وصف‌های طبیعی. مبالغه‌های کلیم در این قصیده‌ها خاصه آنجا که سخن از ستایش پادشاه باشد کم سابقه است (صفا، ۱۳۸۷: ۴/۲۰).

همچنان که گفته شد مهارت و شهرت عالمگیر کلیم در غزل‌های اوست که در آنها زبان ساده و گفتاری روان و سخنی استوار را با مضمون‌های غالباً تازه و معنی‌های بدیع و ناگفته که از اندیشه‌های غنایی و حکمی و اجتماعی برخاسته است همراه کرده، اما این زبان ساده و روان او در غزل‌هایش بیشتر از انواع دیگر شعرهایش واژه‌ی برگزیده و محکم و «خوش تراش» دارد. او خود به این معنی آفرینی‌های خوش ادای خویش توجه دارد و می‌داند قدر زحمتی را که در این را تحمل می‌کند تنها شاعران همپایه‌ی او می‌شناسند. سعی وی در آن است که از غیر معنایی بر ندارد، اگر چه دیگر شاعران دوران‌ش هم این دعوی را دارند ولی کلیم اگر این دعوی را به صدق تمام نکرده باشد راستی‌قولش در این راه بر ناراستی می‌چربد چنانکه حتی از دوباره‌گویی معنی‌های خود نیز گریزان است. وی در ارسال مثل و یا آوردن مصراع‌ها و بیت‌هایی که حکم مثل داشته باشد بسیار تواناست و اگر چه این هنر در عهد وی ویژه‌ی او نبود. اما کلیم و چندتن دیگر در این هنرنمایی مهارت خاص دارند (همان: ۴۲۰).

۱-۱-۲- بیان مسأله

علوم بلاغی از روزگاران گذشته حتی قبل از ظهور اسلام، در یونان باستان مورد توجه بوده و کتاب «فن شعر ارسطو» شاهد این مدعاست. پس از ظهور اسلام نیز، علمای زبان و ادب عرب برای اثبات اعجاز قرآن از جنبه‌های گوناگون از جمله بلاغت از قرن سوم به مسائل بلاغی روی آوردند و در این زمینه به تحقیق و پژوهش پرداختند (گلی، ۱۳۸۸: ۱۷).

فنون بلاغت یا علوم بلاغت شامل سه فن است با اسامی معانی، بیان و بدیع (همایی، ۱۳۸۵: ۸). کلیم کاشانی که او را «خلاق المعانی ثانی» خوانده اند از شاعران معروف سده‌ی یازدهم هجری است (صفا، ۱۳۸۷: ۴/۱۸). در مجموع سبک اشعار کلیم با توجه به اقتضای زمان خود بیشتر به سبک هندی متمایل است. مهارت و شهرت کلیم در غزل سرایی است. اندیشه‌هایی که در این مضامین به کار گرفته شده غنایی، حکمی و اجتماعی می‌باشد. در مثنوی‌هایش زبانی ساده و گاه دور از انسجام و استوار دارد. وی در قصیده نیز زبانی ساده به کار گرفته و سبک اش در این قالب بدین صورت است که مضمون‌ها و تعبیرات خیالی و استعاری را در بیانی نزدیک به زبان گفت‌وگو می‌آفریند (همان: ۴۱۹-۴۲۰).

مبالغه، تشبیه، حسن تعلیل و مغالطه در قصاید کلیم به حد افراط دیده می‌شود. صفت ممتاز او در غزل مضمون آفرینی و خیال بندی و تمثیل است و در این باب پیشناز شمرده می‌شود. ویژگی‌های عمده‌ی شعر کلیم: معنی آفرینی، خیال‌بافی، تمثیل، تخیل و استعمال زبان محاوره است (سبحانی، ۱۳۸۶: ۷۲).

ایهام، حس آمیزی، مراعات نظیر، تضاد و پارادوکس و سایر فنون بدیعی در دیوان کلیم جایگاه ویژه‌ای دارد. بنابراین بررسی دیوان او از دیدگاه بدیع باعث مشخص شدن انواع صنایع لفظی و معنوی به کار رفته در کلام شاعر شده و نیز بیشترین و کمترین صنایع بدیعی به کار رفته در اشعار شاعر آشکار می‌شود و از طرف دیگر میزان حداکثر و حداقل علاقه‌ی شاعر به فنون متعدد بدیعی نیز نشان داده می‌شود.

۱-۱-۳- سؤالات اصلی پژوهش

۱- شاخه‌های علم بدیع تا چه حد مورد توجه شاعر قرار گرفته است؟

۲- انواع صنایع لفظی و معنوی به کار رفته در کلام شاعر کدامند؟

۳- بیشترین و کمترین صنایع بدیعی به کار رفته در اشعار شاعر کدامند؟

۱-۱-۴- اهداف پژوهش

۱- تبیین جایگاه بدیع در دیوان کلیم کاشانی.

۲- تبیین میزان به کار گیری انواع آرایه‌های لفظی و معنوی در دیوان شاعر.

۳- نشان دادن میزان حداکثر و حداقل علاقه‌ی شاعر به فنون متعدد بدیعی.

۱-۱-۵- ضرورت و اهمیت پژوهش

در دیوان کلیم کاشانی کارهای شایسته کمتر انجام گرفته و از دیدگاه علم بدیع نیز کار جامع و مستقلی صورت نگرفته است. در این پژوهش سعی خواهیم کرد که با استفاده از منابع موجود تا حد امکان دیوان کلیم کاشانی را از دیدگاه علم بدیع مورد تحقیق و بررسی قرار دهیم تا اینکه با استخراج انواع نکات و فنون بدیعی به کار رفته در آن، برجستگی‌ها و زیبایی‌های اثر و جایگاه و اهمیت علم بدیع در دیوان کلیم بیشتر از پیش معلوم و مشخص شود. کلام همچون عروسی است که مشاطه‌ی آن فنون بلاغی و صنایع ادبی است. بنابراین کشف صنایع بدیعی در دیوان شاعر باعث توجه بیشتر ذهن خواننده به وجود ارتباطات هنری در بین کلمات می‌شود، که این ارتباطات هنری جنبه‌های زیبا شناختی کلام را مشخص و برجسته می‌کند و در خواننده احساس التذاذ هنری به وجود می‌آورد و کلید ورود به جهان درون شاعر را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد و از طرف دیگر موجب حفظ و اصالت تاریخی دیوان شاعر شده و باعث می‌شود که اشعار او همواره در ذهن‌ها زنده بماند.

کلیم کاشانی از شاعران معروف قرن یازدهم هجری است که در مورد او پژوهش‌های مستقل کمتر انجام گرفته است و از طرفی چون سبک شاعر با توجه به اقتضای زمان خود سبک هندی است بنابراین ما در پیشینه‌ی پژوهش برخی از کارهای انجام شده در مورد سبک هندی را به ترتیب ذکر می‌کنیم.

آریان (۱۳۵۲) در مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌ها و منشأ پیدایش سبک مشهور به هندی در سیر تحول شعر فارسی» (بابا فغانی) نقطه آغاز سبک هندی می‌داند و در این خصوص می‌نویسد: «شاید اولین عکس العمل جدی که در مقابل سبک عراقی پیدا شده، عکس العمل بابا فغانی بود که چون خودش اهل مدرسه و علم نبود و شغلش چنانکه در تحفه سامی آمده است چاقو سازی بود، طرز او عبارت شد از وارد کردن افکار و تخیلات و تعبیرات طبقات عامه در نسج غزل».

شفیعی کدکنی (۱۶:۱۳۷۱) در کتاب «شاعر آئینه‌ها» سبک هندی را نتیجه سیر طبیعی شعر فارسی می‌داند و می‌نویسد: «اسلوب هندی به طور طبیعی نتیجه گریز از ابتدالی است که در عصر تیموری بر شعر فارسی حاکم بوده است». به نظر وی تکراری که پیش از شکل‌گیری مکتب وقوع و رواج سبک هندی به اوج خود رسید، باعث شد که میل به گریز از این حالت در شاعران به اصلی‌ترین مشغله ذهنی آنان تبدیل گردد. این میل به گریز از ابتدالی همان بهانه بود برای تغییر در سیر شعر فارسی.

شمس لنگرودی (۴۷:۱۳۷۲) در کتاب «سبک هندی و کلیم کاشانی» پیدایش سبک هندی را در ارتباط با عوامل اجتماعی و محیط شکل‌گیری آن می‌داند. وی با این باور که سبک هندی در ایران شکل گرفته است، این مکتب را انعکاس شهرنشینی ایرانیان در عصر صفوی می‌داند و می‌نویسد:

«سبک هندی نه مکتبی صرفاً ایرانی و نه مکتبی صرفاً هندی است بلکه مکتبی ادبی است که در عصر صفویه بنا به ضرورت تاریخی (فشار داخلی و آزادی نسبی در هند و پیدایش شهرنشینی) بروز کرد».

ذاکری (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «مقیاس شاعرانه و سبک هندی» به بررسی مقیاس‌های شاعرانه از قرن پنجم تا دوازدهم، سبک خراسانی تا سبک هندی پرداخته است. وی خاطر نشان می‌سازد که:

«مقیاس‌های شاعرانه، یکی از آرایه‌های زیبایی ادبی است که تاکنون ناشناخته مانده و کمتر کسی به واجست آن پرداخته است. این آرایه‌ی ادبی در دستور زبان فارسی هم چندان مورد بررسی قرار نگرفته است. برخی دستورنگاران متوجه آن شده و از آن باعنوان‌های وابسته‌های عددی، روشنگر، صفت شمارشی مرکب، ممیز و روابط‌های کلی عددی یاد کرده اند». فراوانی این مقوله‌ی دستوری و آرایه‌ی ادبی، بیشتر در شعر صائب تبریزی و بیدل دهلوی، دو شاعر نماینده‌ی حوزه‌های اصفهان و هند، در شعر قرن یازدهم و دوازدهم می‌باشد.

در مقاله‌ی «سبک هندی و مدعیان پیشوایی آن» کار مشترک غنی‌پور و اسماعیلی به زیاد بودن ابهامات سبک هندی نسبت به سبک‌های دیگر شعر فارسی اشاره شده و آمده است که: «در آغاز چنین به نظر

می‌رسد که به دلیل نزدیک بودن روزگار رواج این سبک به عصر حاضر، باید دانسته‌های ما بیشتر و دقیق‌تر از آنچه باشد که درباره‌ی سبک‌های دیگر می‌دانیم اما واقعیت گویای چیز دیگری است؛ چرا که ابهامات سبک هندی به مراتب از سایر سبک‌های شعر فارسی بیشتر است. عمده‌ترین دلیل این ابهام را باید در مطرود بودن این سبک و بی‌مهری ایرانیان نسبت به آن جستجو کرد، بی‌مهری که سبب شده‌است کمتر پژوهشگری به طور منظم و عمیق به مطالعه این سبک پردازد.

سپهرنژاد از دانشگاه کاشان، مقاله‌ای تحت عنوان «نظم گریه‌خیز (سبک شناسی دیوان محتشم کاشانی)» را در چهارمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی که در اردیبهشت ماه ۱۳۸۷ در دانشگاه گیلان برگزار شده، ارائه داده است. در این مقاله سعی شده است تا آثار محتشم کاشانی به لحاظ سبک شناسی مورد نقد و بررسی قرار گیرد و در عین حال به نکاتی چند در مورد واژه «نخل» که از واژگان خاص دیوان اوست اشاره شده است.

در سایت اینترنتی کیهان نیوز خوشه چرخ (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «جایگاه کلیم کاشانی در ادب فارسی» در خصوص انتساب لقب «خلاق المعانی ثانی» به کلیم کاشانی می‌نویسد: «همیشه توفیق از آن شاعرانی است که حال و هوای تازه‌ای را وارد یکی از ساخت و صورت‌های شعری می‌کنند یا خود به ایجاد ساخت و قالب و صورتی نو می‌پردازند و طبیعی است که ایجاد قالب و مضمون جدید در شعر یک ملت در همه‌ی ادوار تاریخی امکان‌پذیر نیست، زیرا اگر معنی درست و معقولی از ساخت و صورت و مضمون در ذهن داشته باشیم می‌دانیم که این کار جز به ندرت و آن هم در برهه‌ای خاص از تاریخ، ظهورش امکان‌پذیر نیست و شهرت کلیم کاشانی به «خلاق المعانی ثانی» ناشی از پیدایش یک حال و هوای نو و مضامین جدید و مفاهیم تازه از جانب او در عرصه شعر و ادب فارسی است». وی همچنین در این مقاله جنبه‌های گوناگون کلامی، شخصیتی، اخلاقی و اعتقادی کلیم را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

پژوهش (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «جستجوی نهادهای اجتماعی در شعر کلیم کاشانی» می‌نویسد: «ادبیات بارقه‌ای از حیات معنوی اجتماع و بخشی از فرهنگ جامعه است. آفریننده‌ی اثر ادبی با ذهن حساس و به مدد ادراک عاطفی، واسطه‌ای است میان اثر ادبی و آن چه در ورای آن می‌گذرد و تعهد شاعر. نویسنده یا هنرمند هر اندازه بیشتر باشد، بازتاب شرایط محیط در آنها گسترده‌تر می‌گردد. کلیات کلیم کاشانی همانند دیگر آثار هنری بازتاب دهنده محیطی است که در آن آفریده شده است». وی در این مقاله پنج هدف را دنبال می‌کند که عبارتند از: ۱- بررسی اجمالی تاثیر جامعه شناسی در ادبیات فارسی ۲- نگاهی به اوضاع اجتماعی، سیاسی و ادبی عصر صفوی ۳- معرفی کلیم کاشانی و شعر او به کوتاهی ۴- بررسی نهادهای اجتماعی از دیدگاه جامعه شناسان ۵- سنجش عناصر اجتماعی شعر کلیم با نهادهای اجتماعی و تصویر نقش آن عناصر در معرفی گوشه‌هایی از جامعه عصر او.